

## تَبَاعُ وَتَوَاعَاةٌ بَيْنَهُمَا

کلیدواژه‌ها:  
تعاون، تقوا،  
اثم، عدوان.

«لَا يَحْمِلَنَّكُمْ». یعنی شما را به یک کار خلاف و ادا نکند. این ترکیب، در آیه هشتم همین سوره و نیز آیه ۸۹ سوره هود به چشم می‌خورد و اساساً از یک قانون کلی حکایت می‌کند که مسلمان نباید کینه‌ورز باشد و چیزی را به حساب چیز دیگر بگذارد و مرتکب کار مجرمانه‌ای شود و به اصطلاح گروگوشی کند.

خدای متعال در ادامه آیه، موضوع را بازتر و موارد مجاز و غیرمجاز تعاون و تشریک مساعی را مشخص فرموده است. همین مورد بحث این مقاله است:

**و تعاونوا علی البرِّ و التَّقوی، و لا تعاونوا علی الاثم و العُدوان**

در راه نیکی و پرهیزگاری با هم تعاون کنید و هرگز در راه گناه و تجاوز همکاری نکنید.

بنابراین، رواست که مسلمانان دست در دست هم گذارند و متحد شوند و به اذن خدا و ولی خدا، با دشمنان حق و عدالت مبارزه کنند. یا یکدیگر را معاونت کنند و مظلومان و مستضعفان را از چنگال تجاوزگران برهانند، یا دسته جمعی به یاری سیل زدگان، زلزله‌زدگان، قحطی‌زدگان و مصیبت‌دیدگان بشتابند؛ اما تعاون و معاضدت با گناهکاران، ستمگران و متجاوزان حرام است، گرچه از دوستان و خویشان ما باشند.

این اصل و قانون اسلامی، درست برخلاف قانون عرب جاهلی است که می‌گفت: أَنْصُرْ أَخَاكَ ظَالِمًا أَوْ مَظْلُومًا. دوست (و هم پیمانان) را نصرت کن، چه ظالم باشد و چه مورد ظلم قرار گرفته باشد.

بر پایه این قانون، عرب عصر جاهلیت برای این‌که بتواند به خوبی از امنیت و منافع خود و خانواده و قبیله خویش دفاع کند، با برخی قبایل دیگر هم‌پیمان می‌شد. آنان موظف بودند هرگاه این قبیله طلب کمک نماید، گرچه در قتل عام و یا غارت قبیله دیگر باشد، سریعاً به حمایت او برخیزند و به نفع او شمشیر زنند و احیاناً کشته شوند. این قبیله نیز متقابلاً در مشکلات به کمک هم‌پیمانان خود می‌شتافت و نمی‌پرسید که نیروی کمکی برای چه

از آموزه‌های تردیدناپذیر قرآنی، وحدت، هم‌دلی، همراهی و تعاون است. انسان‌ها همه از یک جاریشه گرفته‌اند و پدر و مادر واحد داشته‌اند؛ غرایز آن‌ها یکسان، فطرت‌های خدادادی‌شان یکسان، مبدأ و مقصد و مسیرشان یکسان و از تعالیم آسمانی مشابه برخوردار بوده و هستند؛ تفاوتی اگر هست، در اقلیم و بوم، رنگ رخسار، زبان و گویش و شدت و ضعف در بعضی گرایش‌های آن‌هاست. از این رو، دلیلی بر تفرقه و جدایی و تکیروی وجود ندارد و انسان‌ها، به‌ویژه مؤمنان، باید یار و غم‌خوار یکدیگر باشند؛ به نحوی که به درد آمدن عضوی از این اندام واحد، از سایر اعضا سلب آرامش کند و تعاون و تشریک مساعی آنان باعث درد زدایی شود.

حال سؤال این است که این حس همکاری و ارضای آن تا کجاها باید پیش رود و ملاک تشخیص «تعاون به‌جا» و «تعاون بی‌جا» کجاست؟

در ابتدای سوره مبارکه مائده- آیه دوم- به بعضی مناسک حج اشاره شده و حرمت بعضی امور بیان شده است. سپس می‌افزاید: دشمنی به جمعیتی که [زمانی] شما را از آمدن به مسجدالحرام مانع شدند، نباید شما را به تعدی و تجاوز [به آن‌ها] وادارد.

شایان ذکر است، عده‌ای از بت‌پرستان در دوره جاهلیت و در ماجرای «صلح حدیبیه»، مانع از آن شدند که مسلمانان زیارت خانه خدا را در مکه به‌جا آورند و آنان را از این فیض محروم کردند. بعد از آن، مکه فتح شد و بت‌پرستان به اسلام روی آوردند و از شرک دوری گزیدند. اینک خداوند به مسلمین هشدار می‌دهد که نکند مسائل گذشته را زنده کنید و کینه این گروه را به دل بگیرید. به این صورت که دست به دست هم دهید و تعاون کنید و عمل خلاف گذشته آنان را تلافی کنید! هم‌اکنون، شما همگی مسلمانید و سزاوار است که دوره جاهلیت را فراموش کنید و از انتقام و کینه‌توزی پرهیزید [و لایجرمنکم شنان قوم...]. واژه جرم به معنی کار خلاف است و کلمه «لایجرمنکم» مترادف است با

## وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ

لازم شده است و اساساً دعوا بر سر چیست؟ و حق با کیست؟ عرب جاهلی در پای بندی به این تعهد، بسیار دقیق و حساس بود و آن را نشانگر غیرت مندی و وفاداری می دانست.

این پدیده منحصر به آن دوران نبود، امروز هم بشر به اصطلاح متمدن! وقتی در مناسبات سیاسی بین کشورها، با دولتی هم عهد می شود، و پیمان نامه دو جانبه امضا می کند، در هر حال به آن وفادار می ماند و کاری ندارد که طرف مقابل او در این استمداد و کمک خواهی، ظالم است یا مظلوم!

برای نمونه، در اثنای جنگ اول جهانی و در پی انقلاب بلشویکی اکتبر ۱۹۱۷ روسیه و بروز مشکلات داخلی در این کشور، روسیه پیشنهاد صلح بدون قید و شرط با آلمان را مطرح کرد، اما متفقین نپذیرفتند و خواستار دخالت مثبت روسیه در جنگ بودند. لذا بلشویکها مجبور شدند در سال ۱۹۱۸ عهدنامه صلح جداگانه ای با آلمان امضا کنند و متصرفات زیادی را از دست بدهند. متفقین تصمیم به حمله به روسیه گرفتند؛ روسیه ای که به دنبال انقلاب، دچار کشمکش های شدید داخلی شده بود. انگلیس و فرانسه و آمریکا، هر کدام قسمتی از خاک روسیه را اشغال کردند، ژاپن هم در کنار آمریکا وارد جنگ علیه روس ها شده بود. اما در جنگ دوم جهانی که آلمان و ژاپن هم پیمان بودند، آلمان شکست خورد و هیتلر خودکشی کرد و برلین به دست نیروهای متفقین افتاد. ولی ژاپن هنوز تسلیم نشده بود؛ با این که چین و انگلیس قاطعانه با آن می جنگیدند، شوروی هم به آن ها پیوست و آمریکا در ششم اوت سال ۱۹۴۵، هیروشیما و سه روز بعد ناگازاکی را با بمب اتمی هدف قرار داد که... [تاریخ عمومی. دفتر برنامه ریزی و تألیف. ۱۳۷۱].

آری، این رفتار آمریکا با ژاپن در خلال برهه ای از دو جنگ جهانی بود. حال باید پرسید، آیا این اتحادها و افتراقها، بر اساس بر و تقوا از یک سو، و اثم و عدوان از سوی دیگر است؟! نمونه دیگر، اتحاد آمریکا با رژیم منحوس صهیونیستی است که در هر شرایط با آن ها تعاون و هم دستی دارد و مدام از «حق تو» به نفع آن ها و علیه مردم مظلوم فلسطین استفاده می کند.

در ایام حاضر نیز شاهد تعاون آمریکا با یکی از دول عربی مدعی اسلام هستیم که اگر چه دائماً قرآن و آیه شریفه مورد نظر را از بلندگوهای خود برای مسلمین جهان پخش می کند، اما پناهگاه امن و امان پادشاهان فراری عرب شده است و امکانات نظامی خویش را تحت عنوان هم پیمانی، برای سرکوب قیام مردمی مسلمانان منطقه، به این کشور و آن کشور گسیل می کند! به قول عبید زاکانی: «این زمان پنج پنج می گیرد/ که شده عابد و مسلمانان» بی جهت نیست که مردم سابقه ذهنی خوبی از سیاست و سیاست مداران ندارند و سیاست به معنی پاک آن را کمتر دیده اند.

### مسلمانان مسلمانان، مسلمانی ز سر گیرید

که کفر از شرم یار من مسلمانوار می آید!!

(مولوی)

به آیه شریفه برگردیم. دو واژه «بر» و «تقوا» با هم ذکر شده است. یکی جنبه اثباتی دارد و به اعمال مفید اشاره می کند و دیگری جنبه نفی دارد و به جلوگیری از اعمال خلاف اشاره می کند. از این رو، تعاون و همکاری باید هم در جبهه دعوت به نیکی ها و هم در صحنه مبارزه با بدی ها انجام پذیرد [تفسیر نمونه، ج: ۲۵۳].

در فقه اسلامی، از این قانون در مسائل حقوقی استفاده

شده است. از این رو معاملات و قراردادهایی که جنبه کمک به گناه دارد، تحریم شده است. مانند فروختن انگور به کارخانه های مشروب سازی، فروختن سلاح به دشمنان اسلام و انسانیت و اجاره محل یا مرکب به کسانی که کار نامشروع دارند.

معروف است که صفوان جمال، از یاران امام هفتم (ع)، شترانی داشت که گاه به اجاره به هارون الرشید می داد؛ با این که شترها برای اعزام زائران حج به مکه مکرمه بود، امام کاظم (ع) از صفوان پرسید: آیا از او کرایه می گیری؟ گفت آری. فرمود: دوست داری که زنده بماند و سرکار باشد، تا کرایه تو را بپردازد؟ گفت: آری. فرمود: کسی که بقای آن ها را دوست بدارد، از آن هاست. کسی که از آن ها باشد، در آتش دوزخ خواهد بود. صفوان با شنیدن این سخن، منقلب شد. رفت و تمام شتران خود را فروخت تا معاونت در ظلم نکرده باشد، با این که مورد عتاب هارون قرار گرفت.

نهی از مشارکت در جرم و خلاف، در احادیث ما فراوان است؛ از جمله حدیث شریفی است که پیامبر (ص) به علی (ع) می فرماید: ده طایفه از این امت به خدا کافر شده اند، یکی از آن ها (بایع السلاح من اهل الحرب) یعنی کسی است که به دشمنان اسلام که با آن ها در حال جنگ اند، اسلحه بفرشد [وسایل الشیعه، ج ۱۲: ۷۱].

در میان قواعد فقهی، دو باب مشهور وجود دارد به نام های قاعده اتلاف و قاعده تسبیب که هر دو موجب ضمان است. یعنی اگر کسی به صورت مباشر و بدون واسطه، و یا با واسطه و سببیت موجب شود که مالی از دیگری تلف شود، یا خسارتی به دیگری برسد، شرعاً ضامن است و در جرم واقع شده مسئول. حال اگر این کار سهوی نباشد، بلکه از روی قصد و عمد انجام بگیرد و فاعل دارای اراده و اختیار بوده باشد، مصداق تعاون در گناه و تجاوز است.

خواننده محترم و همکار ارجمند توجه دارد که گستره شمول آیه شریفه، به سیاست مداران و ارباب تجارت و مکتب منحصر نیست، بلکه مصدق آن در نظام تعلیم و تربیت کشور نیز فراوان است.

اگر مدیر و معاون مدرسه ای تبانی کنند و به مرخصی های کوتاه بروند و کرسی مدرسه را به جای یکدیگر نگاه دارند و کسب مجوز از اداره ذی ربط نکرده باشند، این کارشان همکاری در اثم و عدوان است. اگر هیئت امنای مدرسه ای غیر انتفاعی، جلسه ای بگیرند و صورت جلسه صوری فراهم کنند و به توشیح حاضران رسانند و از این طریق قانونی را دور بزنند، تعاون در جرم است. اگر رییس اداره ای، آشنایی را خارج از ضوابط و استحقاقها به کار گیرد و افراد سزاوار و واجد شرایط را پس زند، مصداق تعاون در اثم و عدوان است. اگر دانشجو معلمی، در جلسه امتحان، برگه اش را طوری بگیرد که دوست او از روی آن بنویسد، مثال بارزی از تعاون در اثم و عدوان است. او نمی تواند مسائل عاطفی را مستمسک قرار دهد و بگوید: او نیز همکار من است، چه عیبی دارد مدرکی بگیرد و چند تومانی به حقوقش اضافه شود! و یا خطاب به مراقب جلسه بگوید: سخت مگیر، شاه می بخشد، ولی شیخ علی شاه نمی بخشد! این تمسکات او را برئ الذمه نمی کند و مساعدت در جرم داشته است. اگر خدای ناکرده از این دست معلمان در مجموعه آموزش و پرورش فارغ التحصیل شوند، چه دانش آموزانی را با چه بضاعت تربیتی و صداقت پرورش خواهند داد و برون داد نظام تربیتی و تعلیمی ما چه خواهد بود؟!